

کتاب

تاریخ بھارت کئی

تالیف

علاء الدین عظیم ملک برہماؤ الدین محمد بن محمد الجونی

درسنہ ۶۵۸ ہجری

جلد ثانی

ذریعہ خوارزمشاہیان

بسعی و اہتمام و تصحیح اقل العباد

محمد بن عبد الوہاب و ترووی

بانیضام خواہشی و فہارسر

درمطبعہ بریل درلیدن ازبلاذ ہلانہ بطبع رسید

سنہ ۱۳۳۴ ہجری مطابق سنہ ۱۹۱۶ مسیحی

مقدمه مصحح

برای تصحیح متن جلد دوم علاوه بر نسخ آباء جده از ص ۹۴ س ۲۰ از متن مطبوع حاضر الی آخر کتاب نسخه ز نیز بکار برده شده است، این نسخه چنانکه در مقدمه جلد اول شرح دادیم ناقص و مشتمل است فقط بر دو نلک اخیر از جلد دوم و تمام جلد سوم، یعنی تمام جلد اول و نلک اول جلد دوم از آن ساقط است، و این نسخه هرچند سفیم و مشحون از اغلاط است ولی باز بواسطه قدم نسی خود در تصحیح جلد حاضر خالی از مساعدت نبود بل احیانا راه تصحیح فقط انحصار بدان داشت، مثلاً در ص ۱۰۱ س ۱۷ کلمه «قرانم» که صواب هان است لاغیر فقط در ز موجود است و در سایر نسخ «قراورم» و در آ «مراور» دارد که هر دو قطعاً خطاست و بدون استعانت نسخه ز تصحیح این موضع ممکن نبود، و همچنین در ص ۲۶۴ س ۱۷ کلمه «اقصی» فقط در ز موجود است و از سایر نسخ منقود و حال آنکه وجود آن قطعاً لازم است و بدون آن عبارت ناقص، وهکذا،

۱۰ اما نسخه و بدلیلی که در مقدمه جلد اول گفته شد مطلقاً در تصحیح این جلد بکار برده نشد و بکلی از آن صرف نظر گردید و بعد از این نیز در تصحیح جلد سوم بکار برده نخواهد شد،

چنانکه نیز در مقدمه جلد اول اشاره نمودیم متن جهانگشای مانند سایر مؤلفات قدیمه فارسی مشتمل است بر پاره اصطلاحات مخصوصه و ۲۰ کلمات و ترکیبات غریبه که در آن اعصار متعارف بوده ولی کنون بکلی مهجور یا نادر الاستعمال است، این اسالیب مخصوصه که ما از آن بخصایص

نحوی و صرفی و لغوی و رسم الخطی تعبیر میکنیم آنچه از آن راجع بجلد اول جهانگشای است مهمات آنرا در مقدمه آن جلد ثبت نمودیم و وعده دادیم که آنچه راجع بجلد دوم و سوم بدست آید در مقدمه هر جلد درج کرده شود، اینک حسب الوعدۀ آنچه از این قبیل خصایص در اثناء تصحیح جلد ثانی التقاط شد در این مقدمه ثبت گردید،

خصایص نحوی و صرفی

- ۱ - اضافه نام صاحب محلی بخود آن محل (رجوع بمقدمه ج ۱ ص قیه)، مثال: «علاء الدین الموت» یعنی پادشاه یا صاحب یا حکمران الموت، (ص ۲۰۴ س ۲۱)، - «محمود شاه سبزواری» (ص ۲۲۴ س ۱۲، ص ۲۷۲ س ۱۷)، - «نظام الدین اسفراین و شرف الدین بسطام» (ص ۲۲۲ س ۱۴-۱۵)، «اختیار الدین ابیورد» (ص ۲۲۲ س ۱۵ و ص ۲۴۷ س ۵)، - «خواجه مجد الدین تبریز» (ص ۲۵۸ س ۶)، - «امین الدین دهستان» (ص ۷۴ س ۶-۷)، - «سلطان شهاب الدین غور» (ص ۸۹ س ۱۱-۱۲)، - «عماد الدین بلخ» (ص ۱۹۵ س ۶)،
- ۱۰ ۲ - ادخال باء زاید بر افعال منفیه (رجوع بمقدمه ج ۱ ص قی-قیاء)، چون «و الله که مثل من بنخواهد نمود چرخ» (ص ۱۱ س ۱۲)، - «گفتم بپرؤ» یعنی مرو نهی از رفتن (ص ۱۵۷ س ۲۱)،
- ۲ - ادخال باء زائد بر «ی»، چون «بمی کشد» (ص ۱۶۱ س ۵)، و معروف در این استعمال عکس این است یعنی ادخال «ی»
- ۲۰ بر باء زائد چون «ی بسود» (ص ۱۶۵ س ۴)، و «ی بکاشت» (ج ۱ ص ۲۰ س ۷)،
- ۴ - ارجاع ضمیر جمع با اسم مفرد بتوقم معنی جمعیت، چون «برگ اشجار از نرک نازی نسیم اسحار نرک علوسه دار گرفتند» بجای «گرفت» بتوقم معنی برگهای اشجار (ص ۲۴۷ س ۱۱-۱۲)، - «آواز مؤذنان

مؤذیان صلوة را از خواب بیدار می کردند» بجای «می کرد» بتوقم معنی آوازهای مؤذنان (ص ۱۶۱ س ۶-۷)،

۵ - عکس آن یعنی ارجاع ضمیر مفرد بجمع، چون «وُعولٌ وُغولٌ اورا می دید از شرم پیاده روی و ترس خویش خود را نگونسار از کمر می انداخت» یعنی می دیدند و می انداختند (ص ۱۶۲ س ۸-۱۰)، - «و از جوانب لشکرها در هم آمد» یعنی در هم آمدند (ص ۸۲ س ۱)، - «قبایل و شعوب مغول بسیارست» (ج ۱ ص ۲۵ س ۱۷)، و دوسه سطر بعد: «و در آن وقت قبایل مغول موافق نبودند»،

۶ - حذف فعل از جمله معطوفه بقرینه فعل جمله معطوف علیها، خواه هر دو فعل از یک جنس باشند و این طریقه اکنون نیز معمول است چون «جان بحق تسلیم کرد و از منزل فنا بمرحل بقا کوچ» یعنی کوچ کرد (ص ۲۵۸ س ۲-۴)، - «از قطب الدین نیز ابلیجی باعلام توجه او بجانب بغداد برسید و بر عقب قطب الدین» یعنی بر عقب قطب الدین برسید (ص ۲۱۷ س ۱۰-۱۱)، یا از یک جنس نباشند و این استعمال اکنون مهجور است چون «امیر ارغون... بازگشت و بعز و نواخت و سیورغامیشی مخصوص» یعنی مخصوص شد یا گشت یا گردید (ص ۲۶۰ س ۶-۷)، - «آنچ توانست از امنعه بیرون آورد و حواشی که از قطب الدین سلطان تحاشی می کردند در مصاحبت او بر راه لور روان» یعنی روان شدند یا روان گشتند و نحو آن، (ص ۲۱۶ س ۹-۱۰)، - «چون وصول او بمازندران مقارن رحیل جتتمور افتاد و نوسال قائم مقام جتتمور» یعنی قائم مقام جتتمور بود یا شد یا گردید و نحو آن (ص ۲۲۸ س ۱۲-۱۴)،

۷ - آوردن فعل معطوف بصورت مفرد غایب در صورتی که فعل معطوف علیه متکلم مع الغیر است، چون «آیات وعد و وعید بر جماعت مخالفان... خواندیم و مقدمات انذار و تحذیر... تقدیم فرمود» یعنی

نقدیم فرمودیم (ص ۱۷۷ س ۱۵-۱۷)، و این طریقه و نظایر آن در عبارات قدما جداً معمول بوده است، رجوع کنید بمقدمه ج ۱ ص قید-قیه و مقدمه جلد اول از لباب الالباب عوفی ص ی-یا،

۸ - هزه اصلیه که در اوایل بعضی از افعال است چون اندیشیدن و انداختن و نحوها معروف آن است که در صورت ادخال حرف نفی «نه» یا باء مطبوعه بر آن قلب بیاء میشود چون نیندیشم و بینداخت (مگر در صورتی که بعد از هزه یائی باشد چون نایستاد و بایستاد)، ولی در نسخ قدیمه جهانگشای بسیاری از اوقات دیده میشود که هزه اصلیه همچنان بر قرار اصل باقی است چون «قصد یکدیگر نه اندیشیم» (ص ۲۰۶ س ۱۵) - ۱۰ - «نه انجمد» (ص ۱۲۷ س ۱۸)، - «بانداخت» (بَ ورق «۱۲۴»)، - «ناندیشیم» (ایضاً ورق «۱۵۳»)،

۹ - استعمال نام پدر یا جد بجای نام خود شخص، چون استعمال «بشیر» بجای محمد [بن] بشیر (ص ۸۵ س ۱۵-۱۷)، و «خرمیل» بجای حسین [بن] خرمیل (ص ۶۶-۶۸ بسیار مکرر)، و «خرنک» بجای محمد [بن] خرنک (ص ۵۲ س ۱۲، ۱۳، ۱۷) و از این قبیل است اکنون استعمال «منصور حلاج» بجای حسین [بن] منصور حلاج،
۱۰ - ادخال ادات عموم افرادی «هر» بر جمع: «موافق شرایع و ادیان هر انبیاست» (ص ۴۴ س ۸ از ج ۱)،

۱۱ - استعمال ترکیب تضمینی یعنی ترکیباتی که حرف عطف در آن محذوف است مانند خمسة عشر در لغت عرب، چون «آمد شد» (ص ۲۰ س ۱۰، ص ۲۲۴ س ۱۱)، - «شد آمد» (ص ۵۸ س ۲۰، ص ۲۷۲ س ۲، ج ۱ ص ۷۸ س ۲۱)، - «افتان خیزان» (ص ۵۶ س ۹)، - «هایبوی» (ص ۷۹ س ۱۸)، ولی گاه «شد و آمد» (ص ۹۹ س ۲۰) و «آمد و شد» (ص ۲۱۰ س ۲) و «گفت و گوی» (ص ۷۹ س ۱۹)،

خصایص لغوی

(باستثناء کلمات ترکی و مغولی که در آخر جلد سوم درج خواهد شد)

آب، - برآب، یعنی تند و با شتاب و سریعاً: «سودای خالک شادباخ آتش طمع خامرا در وجود او چنان نیز کرد که برآب از کرمان بازگشت» (ص ۷۱ س ۲-۴)، - «برآب سلطان نیز متوجه ناحیت بشکین شد» (ص ۱۸۲ س ۱۹)، - «برآب از بادغیس چون آتش روان شدند» (ص ۲۲۱ س ۷)، - «ازین خبر سلطان شاه مجانبی را آتش درزد و خاکسار برآب چون باد روان شد» (ص ۲۶ س ۵-۶)، - چو آب، بمعنی روان و بدون تردید ظاهراً: «پدرش جواب چو آب می داد که خیر و شرّ زمان را اندازه معین است الخ» (ص ۱۲۷ س ۱۵)، - آب راه، یعنی راه آب و مجرای آب (ص ۸۵ س ۶)، آتجاج یا ایشاج، بمعنی اشتباک قرابت و اتصال خویشی، در کتب لغت معتبره بنظر نرسید (ص ۲۷ س ۲، ص ۲۶۰ س ۲۱)، احتضان، مختصّ شدن در قلعه، در کتب لغت معتبره بنظر نرسید (ص ۸۳ س ۵)،

ارافت، بول کردن، یعنی اراقت ماء (ص ۲۲۲ س ۷، ۱۵)، ازناور، لغت گرجی است بمعنی شریف و بزرگ قوم (ص ۱۷۲ س ۹)، بادید = بدید و پدید (بسیار مکرّر)، باز = با: «و آبی که افتادست باز نان بر نخواهد آمد» یعنی با نان (ص ۸۲ س ۱۵-۱۶)،

باز آنک، یعنی با آنکه و با وجود آنکه، رجوع بمقدمه ج ۱ ص قیاً، چون «باز آنک زمان زمستان بود... بمدّت سیزده روز از آنجا بمرو آمد» (ص ۲۵۰ س ۱۲-۱۵)، - «باز آنک کثرت برف از حرکت مانع بود...

فهرست مندرجات الكتاب،

صفحه

- ۱ ذکر مبدأ دولت سلاطین خوارزم انار الله براهینم،
 ۴۷ ذکر جلوس سلطان علاء الدین محمد خوارزمشاه،
 ۶۱ ذکر مسلم شدن ملک سلاطین غور سلطان محمدرا،
 ۶۶ ذکر احوال خرمل بعد از مراجعت سلطان،
 ۶۹ ذکر کرلی و عاقبت کار او،
 ۷۲ ذکر استخلاص مازندران و کرمان،
 ۷۴ ذکر استخلاص ماوراء النهر،
 ۸۲ ذکر مراجعت سلطان بار دوم بچنگ کور خان،
 ۸۴ ذکر استخلاص فیروزکوه و غزنین،
 ۸۶ ذکر خانان قراختای و احوال خروج و استیصال ایشان،
 ۹۴ ذکر بقیه احوال سلطان سعید محمد و اختلال کار او،
 ذکر موجبات وحشتی که سلطان محمدرا با امیر المؤمنین الناصر
 ۱۲۰ لدین الله ابو العباس احمد افتاده بود،
 ۱۲۲ ذکر استیصال سلطان سلاطین و سبب آن،
 ۱۲۶ ذکر سلطان جلال الدین،
 ۱۴۲ ذکر احوال او در هندوستان،
 ۱۵۲ ذکر حرکت سلطان جلال الدین بجانب بغداد،
 ۱۵۸ ذکر احوال سلطان و گرجیان و قمع ایشان،
 ۱۷۰ ذکر مراجعت سلطان با گرجستان،
 ۱۷۴ ذکر حرکت سلطان بأخلاق و فتح آن

- ۱۷۷ [فتح نامه اخلاط از انشاء نور الدین منشی]،
 ۱۸۰ ذکر حرکت سلطان بجز سلطان روم،
 ۱۹۲ ذکر بین مَلِك و اغراق و عاقبت کار ایشان،
 ۱۹۸ ذکر والدۀ سلطان ترکان خاتون،
 ۲۰۱ ذکر احوال سلطان غیاث الدین،
 ۲۰۸ ذکر سلطان رکن الدین،
 ۲۱۱ ذکر استخلاص نواحی کرمان و احوال براق حاجب،
 ۲۱۸ ذکر جتیمور و تولیت او خراسان و مازندران را،
 ۲۲۴ ذکر نوسال،
 ۲۲۵ ذکر احوال کرکوز،
 ۲۲۷ ذکر وصول کرکوز بخراسان و احوال او،
 ۲۴۲ ذکر احوال امیر ارغون،
 ۲۵۱ ذکر توجّه امیر ارغون بقوریلینای بزرگ،
 ۲۶۲ ذکر احوال شرف الدین خوارزی،
 ۲۸۲ حواشی و اضافات،
 ۲۸۴ ضبط منکبرنی،
 ۲۹۲ جدول سلاطین خوارزمشاهیّه،
 ۲۹۴ فهرست اسماء الرجال،
 ۲۲۵ فهرست الأماكن و القبائل،
 ۲۴۶ فهرست الکتب،
 ۲۵۲ غلطنامه،
 ۲۵۵ فائت غلطنامه جاد اول،

 فهرست الاماکن و القبائل،

- آزادوار، ۲۸،
 آسیای حفص، ۲۱،
 آلان، ۱۷۰،
 آلمان، ۸۷ ح،
 آمد، ۱۹۰، ۱۹۱،
 آمل، ۱۱۵، ۲۴۷، ۲۷۸،
 آمویه، ۱۲، ۱۷، ۲۲، ۱۰۸ ح، ۱۸۲ (آب -)، ۲۴۶، ۲۴۴،
 انجاز، ۱۶۴، ۱۷۰،
 ابرقوه، ۲۰۵ ح، ۲۱۷ ح، رجوع بوزکوه،
 ايسکون، ۱۱۵، ۱۲۸، ۲۰۱،
 ابهر، ۱۱۵ ح،
 ايورد، ۲۹، ۴۰، ۵۲، ۵۸، ۲۴۰، ۲۷۸،
 اترار، ۸۰، ۸۱، ۹۹،
 اخلاط، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۴-۱۸۲،
 اذريجان، ۶۸، ۹۷، ۹۸، ۱۰۶، ۱۶۷، ۱۸۲ ح، ۱۸۴ ح، ۱۸۶،
 ۲۴۷، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۵۵، ۲۵۸،
 ازان، ۱۵۶، ۱۶۶، ۲۴۷، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۶۱،
 اربيل، ۱۵۴، ۱۵۵،
 اردبيل، ۱۸۴،

- آکر، قلعه در سند، ۱۴۶،
 الخ ایف، اردوی -، (از قرائن قریب یقین است که الخ ایف عبارت
 از اردوی جغتای بوده است)، ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۷۲، ۲۷۳،
 المالیغ، ۲۱۷، ۲۵۰،
 آلموت، ۴۴، ۲۰۴،
 النجه، قلعه -، ۱۵۷،
 اندخود، ۵۶، ۵۷، ۸۹،
 اوجا (اوجه)، در سند، ۶۱، ۱۴۶، ۱۴۷،
 اورانیان، از قبایل اترک، ۳۵، ۱۰۹،
 اورگانج، ۲۲۷، (رجوع باورکنج در ج ۱)
 اورمیه (ارمیه)، ۱۶۰، ۱۸۴،
 اویرات، از قبایل مغول، ۲۴۲،
 ایران، ۲۱۷ ح،
 ایرانیان، ۱۷۰،
 ایغور، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۸،
 ایغوری (ایغری)، خطی -، ۲۲۶، ۲۴۲، ۲۶۰،
 ایلال، قلعه -، ۱۹۹،
 ایلامش، صحرای -، ۷۷،
 اییل، ۸۷، ۱۲۶، ۲۴۹، (رجوع بچ ۱)،
 باخرز، ۲۶،
 بادغیس، ۵۴، ۲۲۱، ۲۴۹،
 بامیان، ۶۰، ۶۳، ۶۴، ۱۴۶ ح، ۱۹۶،
 بحیره آرال، ۱۰۲ ح،
 بحیره جند، ۱۰۲ ح، ۱۰۸ ح،

- اردهین (اردهن)، قلعه -، ۱۱۷،
 ارز روم، ۱۸۱،
 ارزن، ۱۷۹، (گویا مقصود غیر ارز روم است)،
 آرزَنقآباد، از محال مرو، ۲۴۶، ۲۴۷،
 ارسلان گشای، قلعه -، ۴۳-۴۵،
 ارغیان، ۲۲۴،
 ارمن، ۱۷۰، ۱۷۷،
 اسپیدار (اسفیدار)، ۱۱۵، ۱۹۱،
 استراباد، ۲۲۴، ۲۴۱، ۲۷۸،
 استو (اُسْتَوَا)، ۱۳، ۱۴۲، ۲۷۹،
 اسد آباد (همدان)، ۴۴، ۹۸،
 اسفراین (اسفراین)، ۱۱۲، ۲۲۴، ۲۷۸،
 اسفجباب، ۱۲۵ ح،
 اسکنا باد، ۹۷ ح،
 اسکنان، قلعه -، ۹۷،
 اشتران کوه، رجوع بشیران کوه،
 اشکنوان، قلعه -، ۹۷ ح،
 اشنو، ۱۶۰، ۱۸۴،
 اصطرخ (اصطخر)، قلعه -، ۹۷،
 اصفهان، ۴۴، ۴۸، ۴۹، ۴۲، ۴۵، ۱۱۲ ح، ۱۰۱-۱۰۴، ۱۶۵، ۱۶۸،
 ۱۶۹، ۲۰۴، ۲۰۹-۲۱۲، ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۷۸،
 اعجمیان، شعبه از اترک قفقلی، ۴۵، ۱۹۸،
 اعراب، ۱۴۸ ح،
 اغناق (یغناق)، ۸۴،
 افغانستان، ۱۹۴ ح،

- بیستون، کوہ - ، ۷. ، ۱۷۳ ،
 بیش بالیخ ، ۸۸ ، ۱۲۶ ، ۲۲۵ ، ۲۵۲ ،
 بیلقان ، ۱۸۲ ح ،
 بیہق ، ۲۲۴ ،
- پاریس ، ۱-۴ ، ۶ ، ۱۵ ، ۴۵ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۹۷ ، ۱۰۵ ، ۱۰۸ ، ۱۱۲ ،
 ۱۱۴ ، ۱۴۰ ، ۱۴۲ ، ۱۴۵ ، ۱۴۴ ، ۱۴۵-۱۴۷ ، ۱۵۹ ، ۱۶۲ ،
 ۱۶۶ ، ۱۶۷ ، ۱۷۰ ، ۱۸۶ ، ۱۸۸ ، ۱۹۲ ، ۱۹۹ ، ۲۰۱ ، ۲۰۸ ، ۲۱۱ ،
 ۲۶۴ ، ۲۶۶ ، ۲۶۸ ، ۲۸۰ ، (ح فی المواضع)،
 پروان ، ۱۳۶ ، ۱۴۷ ، ۱۹۵ ، ۱۹۶ ،
 پرشاور (برشاور = پیشاور) ، ۶۱ ، ۱۴۰ ، ۱۴۷ ح ، ۱۹۲ ح ، ۱۹۵ ، ۱۹۶ ،
 پسا (فسا) ، ۱۵۰ ،
 پنجاب ، نام معبری از جیحون در حدود بلخ و ترمذ ، ۱۰۸ (شرح درح) ،
 ۱۱۱ ، ۱۲۵ ،
 پنجاب (هند) ، ۵۹ ح ، ۱۴۰ ح ،
 پنجدیہ ، ۲۷ ،
 پیشاور ، ۵۹ ح ، ۱۴۰ ح ، رجوع پرشاور ،
- نازیك ، ۵۰ ، ۷۰ ، ۲۱۲ ،
 تبریز ، ۱۵۶ ، ۱۵۸ ، ۱۶۰ ، ۱۶۷ ، ۱۶۸ ، ۱۷۷ ح ، ۱۸۲ ، ۲۴۴ ،
 ۲۴۷-۲۴۹ ، ۲۶۱ ، ۲۷۴-۲۷۶ ، ۲۷۹-۲۸۱ ،
 تبکین ، از شعب قبیلہ نایمان ، ۳۴ ح ،
 تبار (تاتار) ، ۹۹ ، ۱۲۶ ، ۱۴۲-۱۴۴ ، ۱۴۶ ، ۱۵۲ ، ۱۸۴ ، ۱۸۸ ،
 ۱۹۳ ،
 ترشیز ، ۴۶ ، ۴۷ ، ۷۰ ، ۷۱ ،
 ترک ، انزاک ، ۲۹ ، ۴۵ ح ، ۵۰ ، ۶۹ ، ۷۰ ، ۷۹ ، ۸۷ ، ۱۰۵ ح ، ۱۰۹ ،

- بجزیره خوارزم، ۱۰۲ح، ۱۰۸ح،
 بخارا، ۴، ۱۵، ۷۴، ۷۶، ۹۰، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۸، ۲۱۱، ۲۴۲،
 بدخشان، ۱۰۸ح،
 برج خاکستر، در هرات، ۶۸،
 بردشیر (بردسیر)، ۱۴۹ح، همان جواشیر است،
 بردویه، ۱۴۵،
 برشاور، رجوع پیرشاور،
 بست، ۱۹۴،
 بسته (پشته)، کوه -، ۱۴۷، ۱۴۸ح،
 بس راور، قلعه -، ۱۴۷،
 بسطام، ۲۱، ۴۹، ۱۱۴ح،
 بشکین (مشکین)، ۱۸۴،
 بصره، ۱۱۴،
 بغداد، ۴۲، ۴۳، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۹۶ح، ۹۸، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۲۰،
 ۱۲۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵ح، ۱۵۶، ۱۵۸، ۱۷۵، ۲۰۰ح، ۲۱۶، ۲۱۷،
 بکر، قلعه در سند، ۱۴۶،
 بکر آباد، ۱۹۴ح،
 بکرهار، ۱۹۶، ۱۹۷،
 بلاساقون، ۸۷، ۹۲،
 بلخ، ۴، ۵، ۶۲-۶۴، ۱۰۷، ۱۰۸، ۲۵۵،
 بلاله، کوه -، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷،
 بناکت، ۸۳ح، رجوع بفناکت،
 بنسک، (دهی در خوارزم؟)، ۷۳،
 بولاق (مصر)، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۲۹، ۱۴۱، ۱۸۳، ۲۶۲، ۲۷۴، ۲۷۵،
 ۲۷۹، (ح فی المواضع)،

- الجزیرہ، ۱۶۲، ۲۶۴، ۲۶۸، ۲۸۰، (حَ فی المواضع)،
 جنابد، ۴۹،
 جند، ۱۰، ۱۲، ۱۵، ۱۷، ۲۴، ۲۸، ۴۰، ۴۳، ۸۲، ۱۰۱ ح،
 ۱۰۲، ۲۱۷ ح، ۲۱۸ ح،
 جوشیر، ۱۴۹، ۱۵۰، ۲۰۲، ۲۱۲، رجوع بکواشیر و بردشیر،
 جود، کوہ -، (ہندوستان)، ۱۴۵، ۱۴۷،
 جودی، ۱۷۷،
 جوربد، ۲۲۴، ۲۷۸،
 جوین، ۲۸، ۲۲۴، ۲۷۸،
 جیمون ۸، ۱۰، ۲۰، ۲۸، ۵۵، ۷۲، ۷۷، ۱۰۶، ۱۰۸ ح، ۱۹۲،
 ۱۹۹، ۲۷۱،
 جیمون (یعنی رود سند)، ۵۹، ۱۴۲،
 جیمون (یعنی رود کُر)، ۱۶۴،
 جیرفت، ۲۱۲،
 جیل، ۵۸ ح، ۵۹ ح،
 چاہ عرب، ۴۶،
 چین، ۱۱۷،
 حانب (?)، ۱۷۰،
 حبشی، غلامان -، ۱۵۰،
 حرق، ۲۱۲،
 حصار ہندوان، ۶۳،
 حلب، ۱۸۱، ۲۴۴،
 حلی (جیلم ?)، ۵۸،
 خابران طوس، ۱۰۹، ۲۵۸،

- ۱۲۴، ۱۰، ۱۰۲، ۱۷۸، ۱۸۶، ۱۹۳، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۱۲،
 ۲۱۹، ۲۲۰،
 ترکستان، ۴۳، ۸۲ ح، ۱۰۱ ح، ۱۰۰، ۱۲۰، ۲۴۶،
 ترکان (تراکمه)، ۱۰، ۷۱، ۱۷۸، ۱۹۴-۱۹۶، ۱۹۸،
 ترکی، زبان -، ۲۶۸،
 ترمذ، ۱۲، ۶۴، ۹۷، ۱۰۸، ۱۹۴، ۱۹۹،
 نست، ۱۰۴، ۲۰۴،
 تفرش، ۱۹۱ ح،
 تفلیس، ۱۶۱، ۱۶۳-۱۶۷، ۲۶۱، ۲۶۲،
 تکریت، ۱۰۰،
 تکیناباد، ۱۹۴ (شرح در ح)،
 تیشه (طیس)، ۲۲۲،
 تنگ نکو، ۱۱۴،
 تولک^(۱)، ۴۹،
 تهری^(۲)، کو -، ۱۲۷، ۱۴۸ ح،
 ثود، ۲۶۰،
 جاجرم، ۲۱، ۲۲۲، ۲۷۸،
 جام، ۲۶،
 جرجان، ۴۹، ۷۲،
 جرژوان، ۶۴،
 جریستان (?)، ۲۱۹،

(۱) تولک قلعه محکمی بوده در جبال نزدیک مرات در حدود قهستان ظاهراً، رجوع
 بطبقات ناصری ص ۶۲، ۶۱-۶۴،
 (۲) کوهستانی در نزدیکی پروان در سرحد غزنین و بامیان - ظ،

- خوزستان، ۲، ۲.۲، ۲.۴، ۲.۵،
 خوی، ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۶۷، ۱۸۲،
 خویص (خویص)، ۲۱۵،
 خیل بزرک (از محالّ ری)، ۹۷،
 دابویی (از اعمال آمل)، ۱۱۵،
 دار الخلافه (بغداد)، ۲۳،
 دار السلام (بغداد)، ۹۶،
 دامغان، ۹۷، ۱۱۴ ح، ۲۷۸،
 دانه (دهی در خوارزم؟)، ۷۳،
 دجله (یعنی جیحون خوارزم)، ۱۹۸،
 دربند، ۲۵۸،
 درّغم، ۱۰۱ ح،
 دزمار، قلعه -، ۱۸۲،
 دقوق (دقوقاء)، ۱۵۵،
 دماوند (دنیاوند)، ۱۱۲ ح، ۱۱۷ ح،
 دمریله، ۱۴۸،
 دمشق، ۱۶۲ ح،
 دهستان، ۱۹، ۲۹، ۱۹۹، ۲۴۴، ۲۷۴،
 دون (دوین، زون)، ۱۶۰،
 دیار بکر، ۱۷۸، ۱۸۵،
 الدیلم، بحر -، ۱۱۵ ح،
 دلی (دهلی)، ۶۱، ۱۴۴، ۱۴۵،
 دینور، ۲۴،
 دینه، ۲.۲،

- خبوشان، ۱۲، ۱۴۲ ح،
 ختای (یعنی چین شمالی)، ۸۶، ۲۱۵، ۲۴۳، ۲۴۶، ۲۵۹، ۲۶۰،
 ختای، ختائیان (مقصود قراختای است)، ۵، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۵۶،
 ۵۷، ۶۲، ۶۶، ۶۹، ۷۲، ۷۴-۷۶، ۷۸-۸۰، ۸۲، ۸۴، ۹۲،
 ۱۲، ۱۲۴، رجوع کنید نیز بقراختای،
 ختلان، ۱۰۸ ح،
 ختن، ۸۳، ۸۸، ۱۲۶،
 خراسان، ۱، ۲، ۴ ح، ۵، ۱۰، ۱۲، ۱۶، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۶، ۲۹،
 ۳۴، ۳۶، ۳۹-۴۱، ۴۳، ۴۹، ۵۱، ۵۴، ۵۵، ۵۸، ۶۲، ۶۶،
 ۷۱، ۷۴، ۸۴، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۱۲، ۱۴۲ ح، ۱۹۴-۱۹۵، ۲۱۸،
 ۲۱۹، ۲۲۱-۲۲۴، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۰،
 ۲۴۱، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۵۲ ح، ۲۵۶، ۲۵۸-
 ۲۶۱، ۲۶۳ ح، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۰-۲۷۲، ۲۷۴، ۲۸۱،
 خرنبرت، ۱۸،
 خزر، بحر-، ۵۹ ح،
 خطا، یعنی قراختا، ۷۸، ۷۹،
 خَلَج، قبیله از انراك(ظ)، ۱۹۲ ح، ۱۹۴-۱۹۶، ۱۹۸،
 خلخال، ۱۸۴،
 خوارزم، ۱، ۲، ۴ ح، ۵-۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴-۱۶، ۲۰، ۲۷-۳۰،
 ۳۴-۳۶، ۳۸-۴۱، ۴۵-۴۷، ۴۹، ۵۰-۵۲، ۵۴، ۵۶، ۵۸،
 ۶۴، ۶۵ ح، ۶۶-۷۲، ۷۳ ح، ۷۴، ۷۷، ۸۱، ۸۲، ۸۴، ۸۶،
 ۸۸-۹۰، ۱۰۲ ح، ۱۰۶، ۱۰۸ ح، ۱۱۵، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۳۰-
 ۱۳۳، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰ ح، ۲۰۸ ح، ۲۱۸، ۲۳۷، ۲۴۶،
 ۲۶۵ ح، ۲۶۶-۲۶۸،
 خواف، ۶۷، ۱۴۵ ح،

- سبزوار، ۲۴، ۲۵، ۲۴۰، ۲۴۰، ۲۷۲،
 سپاهان، ۳۹، رجوع باصفهان،
 سپیجاب، ۱۲۵ ح،
 سجستان، ۸۶، رجوع بسیستان،
 سدّ ذی القرنین، ۸۰،
 سدوستان (سدوسان)، ۱۴۷، ۱۴۸،
 سراب، ۱۸۳،
 سرجاهان (سرجهان)، قلعه -، ۱۱۵،
 سرخس، ۲۰-۲۲، ۲۷-۲۹، ۵۰، ۵۱، ۶۸، ۷۱، ۱۹۴ ح، ۲۴۹،
 سریر، ۱۷۰،
 سُغد، آب -، ۱۵،
 سفناق، ۱۰، ۳۴،
 سلطان آباد، ۱۱۲ ح،
 سلطان دوبن، ۲۴۱،
 سلطانیه، ۱۱۵ ح،
 سلماس، ۱۶،
 سلومد (سلومک)، ۶۷،
 سمرقند، ۵، ۱۴، ۱۵، ۵۵، ۵۷، ۶۴، ۷۶، ۸۱-۸۳، ۸۶، ۹۱، ۱۰۱،
 ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۸ ح، ۱۰۹، ۱۲۴-۱۲۶، ۱۵۶، ۲۴۲،
 ۲۵۸ ح،
 سمنان، ۲۰،
 سند، ۶۱، ۱۴۶،
 سند، آب -، ۵۹ ح، ۱۴۹، ۱۴۰، ۱۴۲ ح، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۴۷،
 ۱۹۲ ح،
 سویری (سویری)، ۱۸، ۱۹،

دیول (دَبیل)، ۱۴۸،

رادکان، مرغزار -، ۲۶، ۲۷، ۵۰، ۲۴۷،

الرَّخ، ۱۱۰،

رَزَام، قبیله از عرب، ۱۰۷،

رکاله، کوه -، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۷،

رودبار، در حدود جند ظاهراً، ۱۱،

رودبار آلتوت، ۴۴،

روس، ۲۶۵،

روغد، ۲۴۸،

روم، ۱۰۸ ح، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۴، ۱۹۰ ح،

۲۴۳-۲۴۵، ۲۴۸،

رونج (رونه)، جبال -، ۱۱۴ ح،

ری، ۲۸، ۲۹، ۴۱-۴۳، ۴۷، ۴۸، ۹۷، ۱۱۲-۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷ ح،

۱۵۲، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۷۸،

زاولستان، ۶۲،

زرنج، ۵۹ ح،

زره، بحیره -، ۵۹ ح،

زم، ۱۰۸ ح،

زنجان، ۱۱۵ ح،

زنگی، ۱۶۰،

زوزن، ۶۷، ۹۷، ۱۴۴، ۱۴۵ ح، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۵،

زبریل (در خراسان ظاهراً)، ۲۶،

سایقان (سایغان، سایغ)، رجوع بنایقان،

- طارمین، ۱۱۵ ح،
 طالقان (بلخ)، ۱۰۱، ۵۸، ۱۴۹، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۰۰،
 طبرستان، ۱۱۴ ح، ۱۹۹ ح،
 طبرک، قلعه -، ۲۸، ۴۰،
 طیس، ۷۱،
 طراز، ۵۵ ح، ۷۶، ۸۸، ۹۱، ۲۴۶ ح، ۲۴۸، ۲۵۱،
 طرق، ۵۲،
 طیس (تمیشه)، ۲۲۴ ح،
 طورغای، ۱۰۱ ح،
 طوس، ۲۲، ۲۶، ۲۷، ۴۴، ۴۸، ۵۱، ۷۱، ۱۰۹، ۱۰۹، ۲۲، ۲۴۸،
 ۲۴، ۲۴۵، ۲۴۷، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۷۲، ۲۷۹، ۲۸۱،
 طهران، ۱۴۸ ح،
 عاد، ۱۵۹ ح،
 عباسی، ۲۱۲،
 عجم، ۱۶۰،
 عراق، ۲۱، ۲۴، ۲۸، ۴۰-۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸ (عراقین)، ۴۹،
 (عراقین)، ۴۱-۴۴، ۴۵، ۴۸، ۴۷، ۹۸، ۱۰۰، ۱۰۶-۱۰۸،
 ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۷ ح، ۱۲، ۱۴، ۱۴۵ ح، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۶۵،
 ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۴، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۸، ۲۰۹،
 ۲۱۱، ۲۴۷، ۲۴۴، ۲۵۶، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۲، ۲۶۶ ح،
 ۲۷۱، ۲۷۷ ح، ۲۸۰،
 عرب (اعراب)، ۴۴، ۱۸۰ ح،
 عرفات، ۱۲۱،
 علیاباد، قلعه -، ۱۶۴،

- سوره، ۱۹۴،
 سومنات، ۴۴،
 سونيان، از قبائل قنقاز، ۱۷۰،
 سيجون، ۷۷، ۱۰۲، ۱۲۵، ح،
 سيرجان، ۲۱۷، ح،
 سير دريا، ۱۰۲، ح،
 سيستان، ۴۵، ۵۹، ح، ۶۵، ۱۹۴، ح، ۲۱۴، ۲۲۱، ۲۵۵،
 سيفاباد، ۵۶،
 سيقران، ۱۴۹، ۲۵۵،
 سيوستان (سيستان)، ۱۴۷، ح، ۱۹۴،
 شابور خواست، ۱۵۴،
 شادباخ، ۱۶، ۱۹، ۲۲-۲۵، ۳۶، ۳۹-۴۱، ۴۸، ۴۹، ح، ۶۲،
 ۶۸-۷۱، ۷۹، ۱۴۲، ۱۴۴،
 شام، ۱۴۹، ح، ۱۵۶، ۱۶۲، ح، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۸-۱۸۱،
 ۱۸۳، ۲۴۴، ۲۶۱، ح، ۲۶۴، ح، ۲۶۸، ح، ۲۸۰، ح،
 شايقان (سايقان، سايغان، ساينغ)، پشته -، ۱۴۲،
 شول، ۱۱۴،
 شهرستانه (نزديك نسا؟)، ۱۲، ۴۷، ۲۱۸، ۲۴۷،
 شيراز، ۱۵۰، ۱۵۱، ح، ۱۹۰، ح، ۲۱۴،
 شيران كوه (اشتران كوه؟ ظ)، ۱۱۴،
 شيعه، ۲۷۸،
 صابن قلعه، ۱۱۵، ح،
 طارم، ۴۵،

- فارلق، ۸۷، رجوع بقرغ،
 فارون، جبال -، ۱۱۴ ح،
 فارون، قلعه -، ۱۱۴، ۱۱۴، ۲۰۱،
 قبادیان، ۱۰۸ ح،
 قبان، ۱۸۴،
 قراختای، ۱۵، ۱۷، ۵۵، ۷۶ ح، ۸۲، ۸۶-۹۴، ۱۰۰، ۱۲۰، ۱۲۲،
 ۱۲۴، ۲۱۱، ۲۱۸، رجوع نیز بخنای،
 قراقورم، کوهی در مغولستان و شهری که اوکنای قآن در پای آن کوه
 بنا نمود و پای تخت اوایل مغول بود، ۱۰۱ ح، ۱۰۲ ح، ۲۰۰،
 ۲۲۱، ۲۵۰ ح، ۲۵۲ ح،
 قراقم (قراقوم)، منازة در ساحل شرقی سیحون، ۱۰۱، ۱۰۲ ح،
 قراقوم، منازة معروف بین خوارزم و مرو، ۱۰۲ ح،
 قراکول، ۱۵،
 قرفیز، ۸۷، ۸۸،
 قَرْلُغ (قرلیغ، قرلغان، قارلقان)، از قبایل اترک^(۱)، ۱۴، ۱۵، ۱۷، ۸۷،
 قزوين، ۴۲، ۴۴، ۹۷ ح، ۱۱۵ ح، ۲۷۶،
 قُصْدَار، ۱۹۴،
 قنچاق، قنچاقان، ۸۹، ۹۰، ۱۷۰، ۱۷۲،
 قنقاز، ۱۷۰ ح،
 فلان ناشی، ۲۵۱،
 قلعه قاهره، ۴۴،

(۱) جامع التواریخ طبع برزین ج ۱ ص ۱۷۰، رجوع کنید نیز بجوای کاترم بر جامع التواریخ ص ۵۲-۵۳ - قَرْلُغ و قرلیغ و فارلق و فارلوق و خَرْلُغ و همچنین خَلْج شعرای ایران (که هیئت مدغمه خَرْلُغ است) همه صور مختلفه يك کلمه است و آن قبيله بوده است از اترک در شمال و شمال شرقی ماوراء النهر معروف بحسن صورت و طول قامت و تناسب خلقت،

عمان، ۱۶۶،
 عمُورِيَّة، ۱۰۸ ح،
 غربالينغ (غُربالينغ، غوبالينغ) = بلاساقون، ۸۷،
 غرجستان، ۸۶، ۱،
 غرس، ۱۶۱،
 غُز، ۱۲، ۱۵، ۲۰، ۲۲، ۸۷ ح،
 غزنین (غزنه)، ۴، ۴۴، ۵۹ ح، ۶۳، ۸۴-۸۶، ۱۰۶، ۱۲۰، ۱۴۴،
 ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۴۴، ۱۹۲-۱۹۶،
 غور، ۱۹، ۲۲، ۲۷، ۴۹، ۵۰-۵۶، ۵۸، ۶۱، ۶۲، ۶۶، ۶۷، ۸۵،
 ۸۶، ۱۲۰، ۱۴۵، ۲۰۸ ح،
 غوريان، ۴۹، ۵۴، ۵۶، ۶۶، ۶۷، ۸۶، ۸۹، ۱۹۴، ۱۹۴ ح، ۱۹۵،
 ۱۹۸-

فارس، ۹۷، ۱۱۴، ۱۱۴، ۱۱۷ ح، ۲۰۲، ۲۰۵ ح، ۲۴۴،
 فرات، ۱۷۸،
 فَرَزِين، قلعة -، ۱۱۲، (شرح درج)،
 فرغانه، ۸۸، ۱۲۵،
 فروان، ۱۴۶ ح، رجوع پيروان،
 فريزن، ۲۲۰ ح،
 فناکت، ۷۷، ۸۲، ۸۴، ۱۲۶، ۲۴۱،
 فنيج آب، ۱۰۸ ح، رجوع پنجاب،
 فَنَهَم، قبیله از عرب، ۱۴۲،
 فیروز کوه، پای تخت غور، ۶۲، ۶۵، ۸۴، ۸۵،
 فیروزکوه، قلعة -، (دماوند - ظ)، ۴۲، ۲۱۰.

کرمان، ۲۲، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۱۴۹، ۱۶۵، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۵،
۲۰۹، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۵، ۲۱۷، ۲۵۵،

کرمان (غزنه)، ۱۴۹،

کِس (کِس)، ۲۵۸ ح،

کلات، ۱۰۹،

کلکنه، ۴۸ ح، ۲۱۱ ح،

کادی، ۲۱۲،

الکَناس (مخفف الکَناسه)، ۲۴،

کنه، ۲۴،

کواشیر (ظ-گواشیر)، ۲۰۹، رجوع بجواشیر،

کوشک مالک (در قزوین)، ۲۷۶،

کوفه، ۲۴،

کوکروخ (?)، ۲۱۹،

کیتو، ۲۵۸،

کیران، قلعه -، ۱۸۲، ۱۸۵،

کسحک (?)، ۲۴۸،

گُرج، گرجیان، ۱۵۸-۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۴، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۲، ۱۷۴،

۱۸، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۶۱،

گرجستان، ۱۷۰، ۲۵۸، ۲۶۱، ۲۶۲،

گُردکوه (دامغان)، ۲۱۶، ۲۷۸،

گرمسیر (= بُست)، ۱۹۴،

گیلان، ۱۱۵،

لارجان (مازندران)، ۱۹۹،

لال، ۱۹۹ ح، رجوع بایلال،

قلعه‌های ارسلان گشای، اردبین، اسکنان، اشکنوان، اصطرخ، النجه،
ابلال، بس راور، دزمار، سرجاهان، طبرک، علیاباد، قرزین،
فیروزکوه، فارون، کجوران، کبران، والیان، رجوع کنید بدین کلمات،
قم، ۲۷۸، ۲۵۵،

قم کبچک (یا کبچک)، ۸۸، ۲۴۸ ح،

قندهار، ۱۹۴ ح،

قنقلی، قنقلیان، از قبایل اترک^(۱)، ۳۵ ح، ۸۷، ۸۸، ۱۰۱، ۱۴۱، ۱۴۹،

۱۹۳ ح، ۱۹۸،

قوچان، ۱۲۲ ح، رجوع بخوشان،

قوناق، ۲۴۹ ح،

قهستان، ۴۶، ۴۹،

قیلی، رودخانه -، ۱۰۲،

قیسج، رودخانه -، ۱۰۲،

کابل، ۱۹۵،

کاشان، ۱۶۹ ح، ۲۷۸، ۲۵۵،

کاشغر، ۸۲، ۸۸، ۱۲۶،

کالف، ۱۰۸ ح،

کبودجامه، ۲۲۲، ۲۷۸،

کجوران، قلعه -، ۱۹۴، ۱۹۵،

کگر، رودخانه -، ۱۶۱، ۱۶۴ ح،

کربی، دره -، ۱۵۹،

کرج، ۱۱۲ ح،

کزد، آکراد، ۲۳، ۱۵۵، ۱۹۰،

(۱) جامع التواریخ ایضاً، ص ۲۲،

- مزدقان، ۲۸،
 مشکین (بشکین)، ۱۸۴ ح،
 مشهد (?)، در استو، ۲۷۹،
 مشهد طوس، ۵۱، ۷۰،
 مصر، ۵۷ ح، ۹۴ ح، ۱۲۲، ۱۷۸، ۲۷۹ ح،
 معرة النعمان، ۲۶۴ ح،
 مغول، ۸، ۸۷، ۱۰۱-۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۱، ۱۱۴-۱۱۶، ۱۱۷ ح،
 ۱۳، ۱۴۴، ۱۴۴ (موثال)، ۱۴۶-۱۴۸، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۴،
 ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۸۳-۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۱، ۱۹۲ ح،
 ۱۹۴-۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۱۶، ۲۲۰،
 ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۴۱، ۲۴۶-۲۴۸، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۸، ۲۴۹،
 ۲۵۶، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۹،
 مغولی، زبان -، ۲۶۰،
 مکران، ۱۴۹،
 مکه، ۹۶ ح، ۱۲۱،
 الملا، ۲۶۶،
 ملازجرد، ۱۸۰،
 ملکفور، ۱۴۴،
 منازجرد، منازکرد، ملازکرد، ۱۸۰ ح، همان ملازجرد است،
 مندور، ۱۷۱،
 منصوریه (باغی و سرائی در طوس)، ۲۴۷،
 منقشلاغ، ۱۴۰،
 موش، بیابان -، ۱۸۱،
 موصل، ۲۰۱، ۲۴۴،
 موغان (مغان)، ۱۸۴،

- لاهور، ٥٩ ح،
 لكزبان، ١٧٠،
 لندن، ٢ ح، ٣ ح، ٤٤ ح،
 لور، ١١٢، ١١٤، ١٥٤، ١٥٥، ٢٠٤، ٢١٦،
 لورستان، ١٦٩،
 لوری، صحراى -، (گرجستان)، ١٦٢،
 لوهاوور (= لاهور)، ٦١،
 لپزيك، ١٠٦ ح، ١٢٨ ح،
 ماينزاباد (ماينزاباد-ظ)، ١٢٤،
 ماركاب، دره -، ١٦١،
 مازندران، ٢٦، ٤٢، ٧٢، ٧٤، ١٠٦، ١١٥، ١١٧ ح، ١٩٩، ٢٠١،
 ٢٠٩، ٢١٨، ٢٢١، ٢٢٢، ٢٢٨، ٢٢٩، ٢٢١، ٢٢٨ ح، ٢٤٠،
 ٢٤١، ٢٤٤، ٢٤٧، ٢٥٦، ٢٥٩، ٢٦٩، ٢٧١، ٢٧٤،
 ماوراء النهر، ٤، ١٤، ١٥-١٧، ٧٢-٧٤، ٧٦ ح، ٨٨، ٩٠، ١٠٠،
 ١٠٥، ١٠٦، ١٢٢، ١٢٣، ١٩٤، ٢٠٩، ٢١١، ٢٢٢، ٢٤٦،
 ٢٥٤،
 الميوس، ١١٢،
 مدينة السلام (بغداد)، ١٨٠،
 مرغه، ٥٢،
 مرند، ١٦٠،
 مرو، ٢ ح، ٢ ح، ٥، ٦، ٨، ١٠، ٢٠، ٢٢، ٢٢، ٢٥، ٢٠، ٢٤، ٢٩، ٤٨،
 ٥٠-٥٢، ٥٤، ٥٨، ١٠٢ ح، ١١٩ ح، ٢٤٦، ٢٥٠، ٢٥٩،
 مرو الرود^(١)، ٢٧، ٥١، ٥٨،

(١) كذا في المتن في المواضع، و الظاهر «مرو الرود» بالذال المعجمة،

هند، هندوستان، ۵۸، ۵۹ ح، ۶۱، ۸۶، ۱۰۶، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۶۶،
 ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۵۵،
 هندو، هنود، ۵۹، ۱۴۳، ۱۴۴،
 هیرمند، ۵۹ ح،

یازر^(۱)، ۷۱، ۷۲، ۲۱۹،
 برلیغ، دیهی درحوالی بیش بالیغ، ۲۲۵،
 یزد، ۲۱۶، ۲۵۶،
 بغناق (اغناق)، ۸۲ ح،

(الأسماء المشكوكة القراءة)

نارسرخان، ۸۸،
 نامح، ۸۸،
 سدسه، ۱۶۲،

(۱) یازر شهری متوسط بوده در خراسان و جزو ولایت مرو محسوب میشد است، رجوع کنید بترغمة القلوب حمد الله مستوفی در فصل «زنج مرو شاهجان»،

- مولتان، ۶۱، ۱۴۷،
 میدان سبز (در غزنین)، ۱۴۵،
 نایمان، از قبایل اترک^(۱)، ۴۴ ح، ۱۰۰، ۲۴۷،
 نخجوان، ۱۵۶، ۱۵۷،
 نخشب، ۱۰۵،
 نسا، ۱۴، ۲۶، ۸۱، ۱۴۲، ۲۱۹،
 نوراور، شطّ -، ۵۵،
 نهر واله، ۱۴۸،
 نیشابور، نیشابور، ۱۳، ۱۶، ۱۹، ۲۱، ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۳۴، ۳۶،
 ۳۹، ۴۹، ۶۹، ۹۴ ح، ۱۰۰، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۶۹، ۲۱۹، ۲۲۰،
 ۲۵۵،
 نیل مصر، ۵۹ ح،
 ولیان، قلعه -، ۱۴۶،
 وراوی، ۱۸۴ ح،
 وِزْکُو، ۲۰۵، رجوع بأبرقوه،
 وخان، ۱۰۸ ح،
 وخن، ۱۰۸ ح،
 هراة^(۲)، ۲۲، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۴، ۶۲، ۶۴، ۶۶-۶۹، ۷۱،
 ۸۴، ۸۶، ۱۴۵، ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۱۶، ۲۲۰ ح، ۲۵۵،
 هزارسف، قصبة -، ۸، ۹، ۵۶،
 همدان، ۴۲، ۴۳، ۴۶، ۴۸، ۶۷، ۹۸، ۱۱۲ ح، ۱۷۹، ۲۷۸،

(۱) جامع التواریخ، طبع برزین ج ۱ ص ۱۳۶-۱۴۵،

(۲) در نسخه اساس (آ) هراترا تقریباً بطور کلی «هراة» با تا» مربوطه می نویسد،